

پیش نوشتار

یک سال از پخش «ایران زمین» میگذرد و شماره ای که در دست دارید نخستین شماره از سال دوم است و بدینوسیله از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و از تک تک شما خوانندگان ارجمند سپاسگزاری می کنیم.

اگر خودخواهی نباشد، باید بگوئیم که «ایران زمین» در چهارگوشه جهان و از سوی خیلی از همکاران و همردگان به نیکی پذیرفته شده که باید از گاهنامه های «اشا» در سوئد، «راه اشا» در امریکا، «پارسیانا» و «جام جمشید» در هندوستان، «فزانا جورنال» در امریکا و «پیک مهر» در ونکوور کانادا نام ببریم. اگر در نشریات دیگر هم از «ایران زمین» یاد شده، چون بدستمان نرسیده از آن بی خبریم. از همگی سپاسگزاریم و تلاش میکنیم که بر پیمان خود پا برجا مانده و در پاگرفتن و بالیدن گاهنامه از هیچ کوششی فروگذار ننمائیم.

برخی از دوستان ما را رهنمودهائی نموده و برخی دیگر هم پرسشهای بمیان آورده که شایسته میدانیم به دوتای از آنها پاسخ گوئیم. شاید برخی از خوانندگان هم همان پرسشهای را داشته باشند.

۱ – آقای «جهان دارو والا» از نویسندگان و دوستان فرهیخته ی

ایران زمین

«ایران زمین» می‌خواهد بداند، چرا در یکی از نخستین پیش‌نوشتارها نوشته ایم «از زمان پادشاهان ساسانی میان زرتشتیان خُرده اوستا جای گاتها را گرفته».

ایشان می‌پندارند که با این گفتارکمک‌های پربار و سهم پژوهشگران نام‌آور و پرمایه‌را، مانند ک. ا. کاما، شمس‌العلماء جمشید جی جیوانجی مَدی، دکتر تاراپوروالا، اردشیر خرددار و استاد پور داود و دیگران را نادیده گرفته و زیر پا گذاشته‌ایم.

دوستان: ما جایگاه بلند این پژوهشگران را پاس میداریم و هیچگاه بر این اندیشه نبوده و نیستیم که کار و کوشش آنها را کوچک بنمایانیم. آنجائیکه می‌گوئیم «خُرده اوستا» جای «گاتها» را گرفته، دیدگاه و نگرش ما بر این است که توده مردم «خُرده اوستا» را به یاد می‌سپارند و در آئین‌ها می‌خوانند و یا اینکه در آتشکده‌ها و در درمهرها و دیگر نیایشگاهها، تنها «خُرده اوستا» دیده می‌شود و آنرا پاس میدارند. شاید در باره‌ی «گاتها» که سروده‌های خود زرتشت است چنین نمی‌کنند. در ایران زرتشتیان روی میز نوروزی، خُرده اوستا می‌گذارند و مسلمانان قرآن را. همین امروز هم آنجور که «تندرستی» را می‌خوانیم از گاتها چیزی نمی‌دانیم و نمی‌خوانیم.

تنها در دهه گذشته است که توده مردم به گاتها پی برده‌اند. و در «ایران زمین» آشکارا نوشتیم که دیدگاه ما در این است که پژوهش و بررسی کنیم، آیا پیشینیان ما، پیش از اینکه «خُرده اوستا»

ایران زمین

گردآوری و نوشته شود، چه میکردند؟ آیا آنها هم در نیایشهای خود اوستای «تندرستی» میخواندند؟ هردوت وارونه ی این سخن را میگوید. «نمازگذاران راستین در ایران پروانه نداشتند و نباید برای خجستگی و خوشبختی خود نیایش کنند. نیایش تنها باید برای خجستگی پادشاه و خوشبختی توده مردم که نیایشگر هم یکی از آنهاست، انجام شود.»

آیا زمانی که گشتی می بستند چنین میخواندند «بسر چینوت پل بزرگ سبک و خرم وشاد و آسان مان ودواری، یا دادار اورمزد»، آیا آماج از زندگی برای آنها گذشتن از پل چینوت بوده یا اینکه زندگی میکردند تا برسایی برسند. بنابراین نگرش بود که ما آن سخنان را گفته بودیم .

۲ – پرسش دوم را استاد جلال الدین آشتیانی که از پژوهشگران بلندپایه و برجسته ایرانی است در میان گذاشته اند که «برجستگی نگاره های موشک آسمان پیما آمریکائی و مهر یا میترای رومیان که باهم پشت و روی شماره سوم گاهنامه را پوشانده و پیوند آن با فرهنگ ایرانی در چیست؟»

در پاسخ: میگوئیم موشک آمریکائی و میترای رومی دیدگاه و چشم انداز ما را از «زندگی و جهان» نشان میدهد. راه زندگی ایرانیان، در گذشته دور که بر پایه آموزشهای آموزگار بزرگ و روشن بین جهان

ایران زمین

یعنی زرتشت نهاده شده بود، برای همه ی جهانیان، در هفت کشور زمین (آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا، استرالیا، و خشکیهای قطب شمال و قطب جنوب) بوده و در همان شماره از «ایران زمین» در رویه ۵ بخش انگلیسی و رویه ۴۰ بخش فارسی، گفتگوهائی در باره ناهمسانی میان «فرهنگ و تراداد یا سنت» داشتیم و دستاورد ما این بود که «فرهنگ پیشرفت است و سنت ایستائی» یا اکنون بهتر بنویسیم «فرهنگ پویندگی و سنت ایستائی است» در نگاره های روی و پشت گاهنامه، موشک را نشانه پویندگی و تندیس مهر و گاو را نشانه ی سنت گرائی بنمایش گذاشتیم، فراموش نکنیم ایرانیان، بدون اینکه به دین آنها نگاه کنیم به کشتن و قربانی کردن جانداران دست میزنند و هنوزهم مهرگان را با پخش نان و گوشت میان مردم، جشن میگیرند. امروز در ایران سنت فرمانروا و فرهنگ وا ایستاده است و از این رو است که ما فرهنگ را در هفت کشور زمین میجوییم.

در این شماره در باره پیشرفت، بیشتر گفتگو داریم و از «دانش در ایران باستان و خلند آن در جهان» سخن میگوئیم . در حالیکه کاوش میکنیم که بدانیم چگونه شهریگری ها و ابر قدرتهای آن زمان باور داشتند که دانش و دانائی تنها در قلمرو خدایان بوده، در همان زمان گاتها، بایرانیان آنروز آموخته بود که اندیشه و خرد را بکار گیرند و دست در دست طبیعت بسوی پیشرفت و خوشبختی گام بردارند و

ایران زمین

برسائی دست یابند.

زمینه ای که برای شماره آینده برگزیده ایم «میترا ایسم ، مهر و مهر پرستی» است. از پژوهشگران ارجمند درخواست مینمائیم نوشتارهای خود را در این باره یا هر زمینه ای دیگر که خود شایسته میدانند و در پیوند با فرهنگ و آئین گذشته ایران است برایمان بفرستند تا بچاپ آن دست بزنیم.

«ایران زمین» دریچه ایست بسوی جهان که پژوهشهای شما را بدست جهانیان میرساند.

خورداد باد

(برسانی برسید)

فریبرز رهنمون